

در جریان سفر ابراهیم رئیسی به رشت پرونده یک خصوصی سازی دیگر باز شد، ریشه مشکل چگونه حل می شود؟

# نوبت قطع زنجیره خصوصی سازی رانتی



«تلی از خاک» توصیف غم انگیز سید ابراهیم رئیسی برای مجموعه تولیدی صنعتی بزرگی است که روزی شکوه آن عزت مردم گیلان بود و یک تنه می توانست چندین هزار نفر را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به کار بگیرد.

رئیس دستگاه قضا که روزهای پایانی هفته گذشته را در گیلان سپری می کرد مانند دیگر سفرهای استانی خود بخشی از برنامه‌ها را به ماجرای کارخانه‌ها و کارگاه‌های تعطیل شده اختصاص داد و این بار هم به سراغ یک مصداق بزرگ و حقیقتاً تاسف‌بار در فرآیند خصوصی سازی رفت. ماجرای رشت الکتریک از همان نمونه‌هایی است که بر اثر بی تدبیری و رانت‌خواری اکنون از عرش به فرش آمده، چند هزار نفر را در استان گیلان از کار بیکار کرده و میلیاردها تومان اموال مملکت را به تلی از خاک تبدیل کرده است. رئیس دستگاه قضا پس از بازدید از مجموعه یادشده در جلسه شورای اداری استان گیلان گفت: «شرکت رشت الکتریک ننگین انگشتی تولید در استان گیلان بود اما اکنون به تلی از خاک تبدیل شده است. من در بازدیدی که صبح دیروز از منطقه‌ای که این کارخانه در آن واقع شده بود داشتم، پای صحت مردم نشستم و پس از آن، رئیس دادگستری استان گیلان را مکلف کردم با به کارگیری یک تیم قضایی مجرب با فوریت و به سرعت وضعیت شرکت رشت الکتریک را پیگیری کند و نحوه برخورد با متخلفان و کیفر آنها را به اطلاع مردم برساند و هیچ مانعی نباید در مقابل کار پیگیری وضعیت شرکت رشت الکتریک باشد.»

## ماجرای رشت الکتریک چیست؟

مهرماه سال ۸۲ و در زمان تصدی وزارت صنایع توسط اسحاق جهانگیری، فرآیند خصوصی سازی به سراغ شرکت الکتریک ایران رشت می رود، شرکتی با سابقه ۵۰ ساله و در وسعتی به میزان ۱۲ هکتار که قریب به ۲ هزار نفر نیروی کار داشت و بیش از ۱۰۰ محصول تولید و در بازارهای داخلی و خارجی به فروش می رساند. سهام این کارخانه که تا آن زمان متعلق به بخش‌های مختلف دولتی بود در فرآیندی سراسر ابهام که شائبه یک رانت بسیار بزرگ را نیز به همراه داشت خصوصی می شود. ۷۲ درصد سهام این شرکت که تا آن زمان متعلق به سازمان بازنشستگی کشوری بود به صورت اقساط و تنها به مبلغ حدود ۲ میلیارد تومان به جای واگذاری به افراد دارای صلاحیت، متخصص و دلسوز در اختیار چهار خانم از همسران شخصیت‌های متنفذ سیاسی وقت قرار می گیرد. روزنامه شرق در گزارشی در اسفندماه ۱۳۹۶ موضوعی می دهد در مزایده سوم کارخانه رشت الکتریک همسران عبدالله نوری، غلامحسین کرباسچی، غلامرضا قبه و شریعتی دهقان خریداران اصلی این کارخانه هستند. ۲۸ درصد باقی سهام متعلق به ۱۰۰۰ شخصیت حقیقی است که عمدتاً از کارگران سابق کارخانه هستند.

محمود علیزاده طباطبایی وکیل خریداران این کارخانه به شرق می گوید این خانواده‌ها اموال خود را فروخته و این کارخانه را خریدند و مثال می زند که عبدالله نوری در حالی که از زندان آزاد شده بود و محل درآمدی نداشت در سال ۸۲ خانه خود را به قیمت ۶۰۰ میلیون تومان فروخته و همسر وی توانسته به همراه دیگر خانواده‌ها این ملک را خریداری کند.

این کارخانه بیش از ۲۰ میلیارد تومان برآورد شده که بسیار بیشتر از نرخ‌های بازار و مطالبات و هزینه‌های این مجموعه را شامل می شود. **سوم:** خصوصی سازی با فروش متفاوت است، خصوصی سازی ضررهای کلانی را تجربه کرده و اغلب ورشکست شده‌اند؛ آنها همه صنایعی هستند که فرآیند واگذاری آنها بدون طی شدن فرآیندهای عقلی و منطقی خصوصی سازی انجام شده است. چند مثال ساده روشن کننده ماجراست. شرکت ماشین سازی تبریز به ازای ۷ هزارم قیمت واقعی و نیشکر هفت تپه به ازای پنج هزارم قیمت آن واگذار شده است، همین شرکت نیشکر هفت تپه ارزش حدود ۲ هزار میلیاردی داشته که رقم نهایی پرداخت شده تنها ۱۰ میلیارد تومان است.

یاد نمونه دیگر بعضاً خریدار با فروشنده یا از زیاب یا یک نفر بوده‌اند و ناسبت بسیار نزدیکی داشته‌اند. برای مثال خریدار مجتمع گوشت اردبیل رئیس سابق سازمان خصوصی سازی است که حالا به ۱۵ سال زندان محکوم شده است یا شرکت هیکووی اراک که در خاورمیانه نمونه‌ای نداشته و حالا تعطیل شده هم به یکی از مقامات متنفذ این سال‌ها واگذار شده است.

## ایراد بزرگ‌تر از یک مصداق است

واقعیت ماجرا این است که بعد از دوران جنگ تحمیلی و ایامی که سازندگی در کشور تجربه می شد عده‌ای توانستند با سیاست‌های نئولیبرالی این اندیشه را در ذهن تصمیم گیران وقت رسوب دهند که اقتصاددایان پیشرفت نخواهد کرد و توسعه یافته نخواهد شد مگر اینکه اولاً اقتصاد خصوصی شود، ثانیاً دولت از همین مسیر کوچک شود

آنچنان که گفته شده پس از فرآیند واگذاری بنا بوده این کارخانه تخریب و اموال و دستگاه‌های آن به نقطه دیگری که محل احداث تأسیسات جدیدی است منتقل شود، فرآیندی که بخش اول آن انجام شده ولی بخش دوم خیر، یعنی تخریب‌ها انجام می شود ولی ساختمان‌های جدید هرگز احداث نمی شود. کیهان در اسفند ۹۶ در این زمینه نوشت فقط پول ضایعات حاصل از تخریب بیش از ۵ میلیارد تومان بوده و قیمت زمین و دستگاه‌ها و سایر متعلقات کارخانه چندین برابر این میزان بوده است.

با توجه به توصیفات یادشده، در مورد خصوصی سازی این مجموعه ۳ نکته مهم قابل اشاره است. **اول:** خریداران این مجموعه یعنی همان ۴ خانم یادشده بدون در نظر گرفتن صلاحیت تخصصی و روزمه قابل قبول وارد فرآیند مزایده خرید این مجموعه شده‌اند. آنچنان که روزنامه شرق در گزارشی سال ۹۶ خود تصریح می کند، مزایده اول و مزایده دوم این مجموعه بدون خریدار پایان یافته و در سومین مرحله بوده که این افراد می توانند این خرید بزرگ را انجام دهند. به فرض صحت این فرآیند، باز هم نبود خریدار باعث ایجاد دلیلی متقن برای واگذاری این مجموعه به خریداران یادشده نمی شود.

**دوم:** چالش بعدی نرخ گذاری این مجموعه است، هر چند خریداران می گویند علاوه بر ۱/۸ میلیارد، پرداخت مبلغ ۲۰ میلیارد تومان از بدی‌های این کارخانه را نیز تقبل کرده‌اند و از این رو منت هم بر کشور می گذارند اما واقع ماجرا این است که گزارش‌های مختلفی حکایت از این دارد که تنها در سال ۸۲ قیمت دستگاه‌ها و ماشین‌آلات

## رشت الکتریک تنها نمونه نیست!

فاجعه بزرگ خصوصی سازی در کشور صرفاً شامل به خاک سیاه نشستن کارگران رشت الکتریک نیست، این بلا بر سر بسیاری از صنایع بزرگ و باعزت این مملکت هم رفته است.

وحید شقاقی شهری، اقتصاددان و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

# برای حل چالش خصوصی سازی باید ساختارها اصلاح شود

مجلس همسو با قوه قضائیه معیارهای اهلیت و توانمندسازی بخش خصوصی را برای واگذاری‌ها مصوب کند

وحید شقاقی شهری، اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی تهران در گفت‌وگو با فرهیختگان، به بررسی نقاط ضعف خصوصی سازی در کشورمان به بهانه اظهارات اخیر رئیس قوه قضائیه در مساله کارخانه رشت الکتریک پرداخت کرد که در ادامه می خوانید.

|||

**بعد از سفر رئیسی به رشت، ماجرای خصوصی سازی و نقایص آن دوباره از نظر رسانه‌های مورد توجه قرار گرفت، از جمله رشت الکتریک که با دخالت جهانیگری خصوصی شده و این چنین نابود شده است. درباره ایده خصوصی سازی و مشکلات آن از زبانی شما چیست؟**

خصوصی سازی در حالی از سال ۷۰ و اقتصاد ایران شروع شد که قوانین و الزامات و مقررات مربوطه را نداشت، لذا شاهد انحرافات در آن دهه بودیم، حتی واگذاری تحت عنوان اختصاصی سازی در دهه ۷۰ ظهور پیدا کرد و در دهه ۸۰ قانون برنامه سوم توسعه اصلاحاتی داشت که اجازه داد خصوصی سازی سرعت گیرد.

در دهه ۸۰ شاهد خصوصی سازی در بانک‌ها و بیمه‌ها بودیم و بانک‌های خصوصی و بیمه‌های خصوصی ظهور پیدا کردند ولی نقطه عطف این موضوع به سیاست‌های کلی اصل ۴۴ برمی گردد. رهبری در سال‌های ۸۴ و ۸۵، ۵ بند سیاست‌های کلی اصل ۴۴ را ابلاغ کردند که در سال ۸۶ نیز قانون اصل ۴۴ در مجلس تصویب و دولت وقت شروع به اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ کرد.

## مختصات دقیق آن را باز خوانی می کنید؟

در این سیاست‌ها ۵ بند وجود داشت، بند «الف» که به طور کلی معتقد بود دولت بیش از این بزرگ نشود و به فضای خصوصی سازی نیز در بند «الف» اشاره شد که باید فراهم شود. بند «ب» توسعه بخش تعاون در اقتصاد و بند «ج» سیاست واگذاری‌ها و بند «د» نیز مربوط به سیاست درآمد‌های حاصل از واگذاری و مصرف این درآمد‌ها بود، در کنار آن بحث توانمندسازی بخش خصوصی و بند «ه» هم به ضد انحصار بود.

## در کشور ما به جای مجموعه خصوصی سازی فقط سراغ بند واگذاری رفته‌ایم

در کشور ما این سیاست‌ها به صورت مجموعه ابلاغ شده بود ولی در اجرا متأسفانه



## مصدیقی ورود کردن کار را بدتر کرده و امنیت اقتصادی را زیر سوال می برد

بنابراین مصداقی ورود کردن کار را بدتر کرده و امنیت اقتصادی را زیر سوال می برد ویک واهمه و ترسی در جامعه ایجاد می کند که خریداران بعدی جرات نمی کنند پیش بیایند. باید این نکته را در نظر بگیریم که اگر سفت و سخت و محکم برخورد کنیم با نهادسازی‌ها و اصلاحات نهادی صورت نگیرد، خریداری نمی آید؛ چرا که فردی که بخواهد ۲ هزار میلیارد تومان یا ۵ هزار میلیارد تومان پول بیاورد، اگر حمایت نشده و امنیت سرمایه گذار او تأمین نشود، این فرد سرمایه گذاری نمی کند.

## خصوصی سازی تیغه دوله برای قوه قضائیه است؛ لزوم برخورد با فساد در عین تأمین امنیت اقتصادی

لذا قوه قضائیه باید این مساله را به عنوان تیغ دوله ببیند و با فساد، کاستی‌ها و قصور دولتمردان مبارزه کند و در عین حال نباید به امنیت سرمایه گذاری و اقتصادی لطمه بزند، چرا که اگر امنیت اقتصادی لطمه بخورد یا مدیر دولتی حاضر نشود برای این کار پیشقدم شود، خسارت سنگینی به کل اقتصاد ایران وارد می شود.

## اگر نهادها و ساختارها اصلاح نشود واگذاری و خصوصی سازی ما با حرف و حدیث همراه است

بنابراین ابتدا باید نهادها و ساختارها اصلاح شود و در دل این اصلاح ساختارها نهادها می توانیم امیدوار باشیم که خصوصی سازی درآیند بتواند موفق عمل کند، چرا که قطعاً اگر نهادها و ساختارها اصلاح نشود همچنان واگذاری و خصوصی سازی ما با حرف و حدیث همراه است. در همین زمینه بحث معیارها و مشخصه‌هایی همچون اهلیت و توانمندسازی بنگاه‌ها برای واگذاری بسیار مهم است و واگذاری باید مشروط به شرط تحقق اهداف باشد تا پایان واگذاری کامل هم این امر اهمیت دارد.

در مجموع این وضعیت فعلی نامناسب است و در آینده خریداران جرات نمی کنند بنگاه خریداری کنند؛ چرا که بعد از مدتی حرف و حدیث‌ها و بگیر و ببند‌هایی ایجاد می شود که پول آنها از بین می رود و خسارت این امر به کل کشور وارد می شود.

## مصدیقی برخورد کردن مساله خصوصی سازی را بدتر و پیچیده‌تر می کند

**باتوجه به این توضیحات آیا اکنون که حرکت همسویی بین قوه قضائیه و مجلس ایجاد شده، بهتر نیست خصوصی سازی و اصلاح مشکلات آن به صورت فرآیند تبدیل شود؟**

توجه به این نکته ضروری است که مصداقی برخورد کردن مساله را بدتر و پیچیده‌تر می کند، لذا باید عملاً آن چالش‌هایی که وجود دارد در قالب قانون اصلاح و نهادسازی‌های لازم صورت گیرد و از سوی دیگر فرآیندها نیز اصلاح شود؛ چرا که مصداقی برخورد کردن دردی را از کشور دوان نمی کند.

## مجلس معیارهای واگذاری‌های قانونی را مشخص کند

به عنوان مثال مجلس باید در بحث واگذاری‌ها قانونی را مصوب کند تا بحث اهلیت با معیارها و مشخصه‌هایی تبیین شود؛ یعنی اگر دولت می خواهد واگذاری انجام دهد آن معیارهای اهلیت تیم صاحب بنگاه‌ها باید مشخص شود و به عبارتی اگر می خواهیم به طور مثال هیکو را واگذار کنیم، باید بیان کنیم هیکو چه بنگاهی است و در چه حیطه‌ای کار می کند و این افرادی که می خواهند این را خریداری کنند باید چه معیارها و مشخصه‌هایی داشته باشند.

## باید بنگاه‌ها را مشروط واگذار کنند

نکته مهم دیگر این است که در همه دنیا بنگاه‌ها را مشروط واگذار می کنند، یعنی هیکو را به تیم اهل آن با تخفیف‌هایی واگذار می کنند و این ایرادی ندارد. تخفیف هم به صورت شفاف وجود دارد؛ مثلاً ۱۰ هزار میلیارد تومان ارزش دارایی‌های این بنگاه است، آن را با تخفیف به قیمت ۷ هزار میلیارد تومان و واگذار می کنیم ولی مشروط واگذار می کنند و می گویند انتظار این است که سه سال بعد اشتغال و بهره‌جویی و تولید را به این میزان افزایش دهد و رقابت‌پذیری ایجاد کند. البته در این فرآیند نظارت هم می کنند که آیا این تیمی که این بنگاه را خریداری کرده توانسته این بنگاه را سرپا، زنده و پویا نگه دارد یا خیر، لذا اگر توانسته باشد قرارداد خود را تمدید می کنند و اگر نتوانسته باشد دوباره آن را پس می گیرند.